

حمود ن.

«ظریف» و نقش او در «میدان»

بخش نخست_

آنچه محمد جواد ظریف در مصاحبه طولانی‌اش مطرح کرده است، بیش از هر چیز تأیید آن واقعیتی است که اکنون مدتهاست از نگاه بخش زیادی از مردم ایران پوشیده نیست و آن اینکه عمده تصمیم‌گیری‌ها برای اِهمّ مسائل کشور، نه در نهادهای رسمی، علنی و قانونی، و نه توسط مقامات قوای سه‌گانه، بلکه در جایی دیگر و به تعبیر تازه ظریف در «میدان» صورت گرفته و به اجرا گذاشته می‌شود.

اما بیان اعتراف‌گونه او به همین واقعیت‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به خصوص که جزئیات دقیق‌تری از نحوه عمل نقش‌آفرینان صحنه و «میدان» را به تصویر می‌کشد.

صرف نظر از اجرای ضعیف سعید لیلاز و تقطیع نابجا و مکرر صحبت‌های ظریف که چند بار هم با اعتراض ملایم وی همراه شد و نیز مز‌مهرانی‌ها و اظهار فضل‌های بی‌مورد، همچون اشاره به ابوموسی‌اشعری و شعرخوانی از مثنوی و رها کردن مهار خود در خاطره گویی از «ضعیفه‌ها» و نگاه موهن او به نماینده زن اتحادیه اروپا (ولو در قالب شوخی)، پرسش‌های چالشی و مهم دیگری، امکان طرح داشت که به تمامی مسکوت ماندند.

از این حواشی که بگذریم، جان مایه صحبت‌های ظریف، پیرامون مقوله‌ای در گردش و تکرار بود که او با واژه «میدان» از آن یاد می‌کرد.

هرچند ایشان تعریف دقیقی از این واژه به دست ندادند و نگفتند که چرا با صراحت از عناوین اصلی نهادها و نقش‌آفرینان «میدان» استفاده نمی‌کنند، ولی از فحوای کلام او مفهوم می‌شد که منظور او از واژه «میدان» عمدتاً اشاره به افرادی از فرماندهان نیروهای نظامی و امنیتی دارد که بیرون از تشکیلات رسمی وزارت امور خارجه، برای مهمترین مسائل سیاست خارجی و منافع ملی کشور، تصمیم‌سازی می‌کنند و رأساً به موقع اجرا می‌گذارند.

ظریف نه تنها به فرمانده عالی «میدان» اشاره‌ای نکرد بلکه سعی کرد که مخاطب انتقادات خود را از سطح قاسم سلیمانی، بالاتر نبرد.

او گفت که خودش به عنوان وزیر امور خارجه از تصمیم‌گیری و حتی اطلاع از مهمترین وقایع مرتبط با سیاست خارجی، کنار گذاشته شده، تا آنجا که اخبار وقایع را برای اولین‌بار از زبان وزیر امور خارجه آمریکا می‌شنیده است.

ظریف در جمع‌بندی بخش‌های مختلف اظهاراتش، جملات کلیدی مهمی را به تکرار بیان کرد و از جمله گفت:

«حاکمیت در کشور، به هیچوجه دوگانه نیست، حاکمیت یگانه است».

«قدرت در عمل تک ساحتی است».

«میدان» حاکم بر همه چیز است. «میدان» تصمیم می‌گیرد».

«میدان» برای نظام اولویت دارد».

«در جمهوری اسلامی، «میدان» حاکم است».

ظریف همچنین گفت:

«وقتی اهداف «میدانی» بر اهداف استراتژیک حاکم بشود، با ما بازی خواهند کرد».

شاهد مثال هم می‌آورد:

«ما ادعا می‌کنیم که آقای سلیمانی، پوتین را به جنگ کشید، اما پوتین تصمیم‌اش را گرفته بود. پوتین وارد جنگ شد اما با نیروی هوایی، اما نیروی زمینی ایران را هم به جنگ کشید. ما تا آن زمان نیروی زمینی [در سوریه] نداشتیم. سوری‌ها و اعراب و افغانی‌ها و داوطلبان بودند».

و اینجا دیگر، ناخواسته تمامی تبلیغات رسمی حاکمان «میدان» و فرمانده عالی آن را نقش بر آب می‌کند، تبلیغاتی که ادعا می‌کند: «نقش ما در جنگ سوریه در سطح «مستشاری» است».

ظریف گلایه می‌کند که :

[«حتی» نمی‌توانید بگوئید که در سوریه چند نفر [ایرانی] کشته شده است؟»]

اما ظریف، هنگامی که می‌خواهد مقصر یکه‌تازی «میدان» را معرفی کند؛ دیواری کوتاه‌تر از افکار عمومی «مردم» نمی‌شناسد. او که بخش کوچکی از حامیان نظام ولایت را معادل «همه مردم» فرض می‌کند، گلایه‌مند است که:

«مردم ما قهرمان بودن در منطقه را می‌پسندند».

و سپس آمار می‌دهد که چگونه در برهه‌ای، محبوبیت او کاهش و محبوبیت قاسم سلیمانی افزایش یافته است. ولی سهم خود در ایجاد چنین پدیده‌ای را به یاد نمی‌آورد که چگونه خود از میان تشییع‌کنندگان جنازه قاسم سلیمانی، همچون یک آژیتاتور صدا و سیما، رئیس جمهور آمریکا را مخاطب می‌ساخت و فریاد می‌کشید :

«آیا در همه عمر، چنین دریای انسانی دیده‌ای؟»

«ظریف» و نقش او

در «میدان»

بخش دوم و پایانی

...اما ظریف به نقشی که خود در «میدان» به عهده می‌گیرد و یا به عهده‌اش می‌گذارند، هیچ اشاره‌ای نکرد و نمی‌کند؛ بطور مثال آنجا که در پاسخ به پرسش خبرنگاران خارجی لازم دیده است بگوید:

«ما در ایران زندانی سیاسی نداریم».

و یا...

«من اختیار دارم تا زندانی‌های دو تابعیتی در ایران را مبادله کنم».

و یا...

«مردم خود انتخاب کرده‌اند که اینگونه زندگی کنند».

به خاطر مبارکش نمی‌آورد که همین‌گونه سخنان بی‌پایه و موضع‌گیری‌های توجیه‌گرانه، موجب شده است که در عنوانی نه چندان نزاکت‌آمیز، به او صفت «ماله کش نظام» اطلاق شود.

طرفه آنکه در همین مصاحبه از آمادگی‌اش برای انجام چنین نقشی در ماجرای جنایت‌آمیز سرنگونی هواپیمای مسافری، ناخواسته پرده برداشت، آنجا که گفت:

«روز جمعه (دو روز پس از سرنگونی هواپیما) در جلسه شورای امنیت ملی گفتم: اگر موشک خورده به ما بگوئید تا ببینیم چگونه می‌توانیم «علاجش» کنیم».

اکنون انتشار علنی این مصاحبه، کار را برای معنود هواداران و پیروان او در رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دشوار کرده است.

پیروانی که کوشیده‌اند از «جناب آقای دکتر ظریف، وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران»، قهرمانی! هم شأن و هم مرتبه مصدق و امیرکبیر نقش و قالب زنند.

برخی هم اصل مطالب مطروحه در مصاحبه را رها کرده‌اند و طبق معمول سرگرم! گمانه‌زنی‌های داهیانه! و کشف راز و رمز عاملین و زمان انتشار این مصاحبه برآمده‌اند و دایره گمانه‌ها را از اخلاص جناح اصولگرا در مذاکرات وین تا ممانعت از کاندیداتوری او در انتخابات ریاست جمهوری، وسعت داده‌اند؛ هرچند خود او بارها و از جمله در همین مصاحبه، بیان کرده که تمایل و توانی برای ایفای چنین نقشی ندارد و صرفاً تمنا کرده است که در دولت بعدی هم، همین پست ناقابل! وزارت امور خارجه برای او منظور شود.

در چنین صورتی چه مضحکه غریبی خواهد شد؛ اگر ظریفی که به گفته خود او، در جلسه شورای امنیت، مخاطب فردی چون شمعخانی واقع می‌شود که به او تحکم می‌کند که: «برو و توثیق کن و سرنگونی هواپیما با موشک سپاه را تکذیب کن». ..حالا اگر به فرض، چنین ظریفی روزی روزگاری رئیس جمهور هم بشود، چه نقشی در میانه «میدان» بازی خواهد کرد!!

شاید سخن طنزگونه احمد زیدآبادی در مناظره‌ای با مصطفی تاجزاده پُر بیراه نبود آنجا که در همین خصوص گفت:

..«شیخ حسن که خود امنیتی بوده و از اول هم مصدر کار بوده، حال و روزش اینگونه است، حالا جواد ظریفی که یک بچه... است و تا چیزی می‌شود فخر می‌کند و گریه و زاری راه می‌اندازه، می‌خواد چکار بکنه؟»!!

و سخن پایانی اینکه به رغم اظهارات گاه و بی‌گاه ظریف در مورد نقش «صفر» اش در تصمیم‌گیریهای مهم «امور خارجه» باید به او خاطر نشان کرد که :

جناب ظریف شکسته نفسی! می‌فرمائید، آنچنان هم که می‌گوئید در این «میدان»، بی‌نقش هم نیستید. اگر «میدان»، نقش رئیس جمهور را در حد و اندازه کارپردازِ نظام می‌خواهد، وجود شما هم آنگونه که خود می‌گوئید برای «علاج» برخی «امور خارجه»!! لازم و ضروری است.